

<https://www.aftabekherad.ir>

## Moral and Spiritual Disorders in Iranian Society

Mehrab Sadeqnia<sup>۱</sup>

Received: 2021/05/30

Accepted: 2021/06/14

### Abstract

Spirituality and morality disorders are two disturbing challenges for different societies. These challenges of spirituality can be found in the emergence and spread of false spirituality in society or can be seen as signs such as suicide, discrimination, decreased social hope, and increased violence. Moral disorders also manifest themselves in disagreements over norms, their weakness and inability to control citizens, and the conflict of norms with each other or their conflict with social reality. Iranian society has signs of spiritual and moral problems. The studies mentioned in this article show both disorders. To combat these disorders, one must first accept the existence of the challenge, then trust the humanities to examine the social reality of Iran, and finally pursue treatment using scientific findings.

**Keywords:** Spiritual disorder, moral crisis, moral anomie, false spiritualities.

---

<sup>۱</sup> - Graduate of the seminary and university, Assistant Professor, Qom University of Religions and Sects, sadeqnia@urd.ac.ir

## اختلالات اخلاق و معنویت در جامعه ایران

مهراب صادق‌نیا<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

### چکیده

اختلال معنویت و اخلاق دو چالش آزردهنده برای جوامع مختلف هستند. این چالش‌های معنویت را می‌توان در ظهور و گسترش معنویت‌های کاذب در جامعه یافت و یا نشانه‌هایی چون خودکشی، تبعیض، کاهش امید اجتماعی و افزایش خشونت را نشانه‌های آن دانست. اختلال اخلاقی نیز خود را در عدم توافق بر هنجارها، ضعف و ناتوانی آنها در کنترل شهروندان و نیز تعارض هنجارها با هم یا تضاد آنها با واقعیت اجتماعی نشان داد. جامعه ایران نشانه‌های اشکالات معنویت و اخلاق را در خود دارد. مطالعاتی که در این مقاله از آنها یاد شده است هر دو اختلال را نشان می‌دهند. برای مبارزه با این اختلالات باید در ابتدا وجود چالش را پذیرفت، سپس با علوم انسانی برای بررسی واقعیت اجتماعی ایران اعتماد کرد و در نهایت درمان را با بهره‌گیری یافته‌های علمی دنبال کرد.

**کلیدواژه‌ها:** اختلال معنویت، بحران اخلاق، آنومی اخلاقی، معنویت‌های کاذب.

---

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشگاه، استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم [sadeghnia@urd.ac.ir](mailto:sadeghnia@urd.ac.ir)

## مقدمه

جهان جدید، به ظاهر همه آرزوهای مادی انسان را فراهم کرده است. تکنولوژی‌های پیشرفته دنیای مدرن زندگی را آسان‌تر از جهان قدیم کرده است. انسان جدید ساده‌تر از قبل سفر می‌کند، کار می‌کند، درس می‌خواند، از سلامتی خود محافظت می‌کند، آینده‌اش را تا اندازه‌ای بیمه می‌کند و در مجموع بسیار راحت‌تر از گذشته زندگی می‌کند. با این حال، این تمام ماجرا نیست، او شاید بسیار کم‌تر از گذشته احساس شادمانی دارد، آنقدر که گاهی تلاش دارد زمان را نگه داشته و یا حتی به عقب، یعنی همان روزگار سنت باز گرداند. او احساس می‌کند چیزی کم دارد. چیزی که زندگی را رنگ بدهد و آن را معنادار کند. به قول استاد شهید مطهری، «امروز باریک‌بینان جهان به این نکته توجه دارند که بزرگ‌ترین بحرانی که الان بر جامعه بشریت، خصوصاً بر جوامع به اصطلاح پیشرفته و صنعتی حکومت می‌کند، بحران معنوی است، نه مثلاً بحران سیاسی یا بحران اقتصادی» (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۷۶).

شاید مهم‌ترین مشکل غرب «علم‌بسندگی» بود. یعنی این که جوامع غربی برای «علم تجربی» منزلتی فراتر از توان و اعتبار آن قائل شدند و آن را جایگزین «دین» کردند. آنان به خطا گمان کردند که علم از عهده تدبیر زندگی انسان بر می‌آید و می‌تواند یک بهشت رؤیایی را در همین جهان برای انسان رقم بزند. آنان علم را چاره همه دردهای بشر معرفی کردند و صنعت را تنها نکته قابل اعتمادش. این در حالی است که علم تجربی و طبیعی، ممکن است بتواند برای او تکنولوژی بیافریند و دردهای جسمانی‌اش را درمان کند؛ ولی از علاج بیماری‌های نفسانی و درونی انسان، کاملاً ناتوان است و نمی‌تواند از عهده تدبیر کردن غرایز و تمایلات او برآید، بلکه چنانچه علم در اختیار نفس انسانی غیرمهدب و حیوانی قرار بگیرد، خود به ابزار و اهرمی برای برآورده ساختن مطالبات ناصواب غرایز و تمایلات تبدیل می‌شود: پیشرفت‌های علمی [در دوره معاصر زندگی انسان،] کوچک‌ترین تأثیری روی غرایز بشر نکرده است، [بلکه] برعکس، بشر را مغرورتر و غرایز حیوانی او را افروخته‌تر کرده است و به همین جهت، خود علم و فن، امروز به صورت بزرگ‌ترین دشمن بشر در آمده است؛ [زیرا] علم [همچون] چراغ است [که] استفاده از آن بستگی دارد [به این] که بشر این چراغ را در چه مواردی و برای چه هدفی به کار ببرد. [.. به عبارت دیگر،] بشر علم را همچون ابزاری برای [دستیابی به] هدف‌های خویش استفاده می‌کند، اما [در برابر این که] «هدف بشر چیست و چه باید باشد؟»، علم دیگر قادر نیست هدف‌های بشر را عوض کند [..]. آن دیگر کار «دین» است؛ کار قوه‌ای است که کارش تسلط بر غرایز و تمایلات حیوانی و تحریک غرایز عالی و انسانی او است. [..] دین، انسان را در اختیار می‌گیرد؛ [به گونه‌ای که] جهت انسان را و مقصد

انسان را عوض می‌کند. [...] بنابراین، انسان عصر علم و دانش، با انسان ماقبل این عصر، در این‌که [همچنان] اسیر و بندهٔ خشم و شهوت خویش است، هیچ فرق نکرده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۸۶).

بحران معنویت و اخلاق، سرنوشت مشخص غرب نیست. این چالش، زائیدهٔ فکر مدرن است. اندیشه‌ای که علم تجربی را اعتباری بلامنازع می‌دهد. به همین دلیل هر جامعه‌ای که مدرنیزاسیون را تجربه می‌کند در آستانهٔ تجربهٔ اندیشهٔ مدرن نیز هست و در نتیجه ممکن است بحران معنویت در غرب را نیز تجربه کند. ایران جامعه‌ای در حال گذار است و رو به سوی مدرنیته دارد. اگر چه گاهی فراتر از آن، هنوز مدرنیته را تجربه نکرده و رگه‌هایی از پست مدرنیسم را می‌توان در این جامعه دید. به همین دلیل می‌توان چالش معنویت و اخلاق را چالش امروز و یا فردای ایران هم دانست. این مقاله تلاش دارد تا از این چالش در جامعه ایران سخن بگوید.

## ۱- اختلال

اختلال را در موقعیت‌های مختلفی به کار می‌برند و در هر کاربردی معنایی متفاوت از آن مدنظر است. با این حال، گاهی اختلال را در معنای بحران به کار می‌برند و بحران را در اشاره به وضعیتی به کار می‌برند که در آن فرآیند تغییر در سیستم به گونه‌ای در می‌آید که ثبات و تعادل آن به شدت و با آینده‌ای نامطمئن به خطر می‌افتد و ضرورت اقدام هر چه سریعتر برای اعاده آن یا برقراری بی‌نظمی جدید احساس می‌شود (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱). تعریف بحران توسط روزنتال نیز چیزی نزدیک به همین معناست: «بحران یعنی تهدیدی جدی نسبت به ساخت‌های زیربنایی یا ارزشها و هنجارهای اساسی یک سیستم که مورد ادراک ذینفعان بوده و تحت فشار زمانی و محدودیت گزینه‌ها در شرایط عدم قطعیت شدید و احساس کاهش کنترل، اتخاذ تصمیمات حیاتی، دقیق و پرهزینه‌ای را الزامی می‌سازد» (روزنتال و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۲۷). بحران اغلب در مقوله‌های انسانی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و هویتی، حاصل سالها و دهه‌ها و حتی قرن‌ها تغییر بوده و به صورت تدریجی حاصل می‌شود.

## ۲- معنویت

مک کارول، در پژوهشی که درباره تعریف معنویت انجام داده است، بیست و هفت تعریف صریح و آشکار از آن به دست داده است. که البته توافق اندکی میان این تعاریف وجود دارد (Mc. Carroll, 2005, 44). همین پراکندگی تعریف‌ها کار را برای پژوهشگران این عرصه

مشکل کرده است. با این همه، معنویت در زبان انگلیسی (Spirituality) به معنای تنفس است و به تنفس زندگی اشاره دارد. به این معنا که انسان با استفاده از معنویت، قلب خود را بگشاید و ظرفیت تجربه عظمت، تقدس و سپاسگزاری را در خود پرورش دهد، اندوه زندگی را حس کند، شور و شوق وجود را بشناسد و خود را تسلیم حقیقتی کند که والاتر از وجود مادی اوست. آرتور شوپنهاور معنویت را معادل «خود فراتر و متعال» معرفی می‌کند که همواره با زهد همراه است و به عنوان یک کلید اساسی برای زیست اخلاقی مورد استفاده است. الکینس نیز معنویت را محصول مواجهه جان آدمی با امر قدسی تعریف کرده و آن را دارای درجات مختلفی برای پرورش جان آدمی دانسته است که رشد معنوی او را تضمین می‌کند (D. N. elkins: 201). کیس وایمن نیز معنای کلاسیک و سنتی معنویت را «یک فرآیند بازسازی انسان که با هدف بازیابی قالب فطری و اولیه انسان و بازیابی تصویر صحیحی از خدا شکل گرفته است» می‌داند (Waaizman, 2002).

### ۳- اخلاق

ذیل عنوان اخلاق، تعاریف، مباحث، و مسائل زیادی از جانب دانشمندان و فلاسفه اسلامی و غربی آمده است؛ آن‌گونه که به نظر می‌رسد رسیدن به یک تعریف مورد اتفاق کار دشواری است. این ادبیات نشان می‌دهد که اندیشمندان از این که اخلاق چیست و چه باید باشد، تصورات گوناگونی داشته‌اند (ادواردز، ۱۳۷۸، ص ۱۵). در گذشته اندیشمندان و فیلسوفان از اخلاق انتظار داشتند تا ایده‌ای کلی درباره این که چه باید کرد و یا چه چیزی را باید دنبال کرد و چگونه رفتار کرد و چه رفتاری باید با دیگران داشت ارائه دهد. کسانی چون ارسطو، افلاطون، اپیکور، هابز، خواجه نصیر، شبر و ملا احمد نراقی تا روحانیان محلی همین گونه به اخلاق می‌نگریستند و بی آن که به موقعیت‌های جزئی توجه کنند، تلاش داشتند تا نوعی معرفت کلی از امر خوب و درست ارائه دهند. آن‌ها تصور می‌کردند که چیزی شبیه یک قانون خوب و ثابت وجود دارد که می‌توان آن را در هر شرایطی دنبال کرد. اما با ورود به عصر روشن‌گری توجه از فضیلت و نفس صفات انسانی به عملکرد و آنچه باید انجام داد (پیک حرفه، ۱۳۹۴: ۶۷). برای بسیاری از فیلسوفان اخلاق معاصر، بویژه فیلسوفان تحلیلی فضیلت از محدوده اخلاق خارج شده و به عنوانی فراموش شده درآمده است (دیرباز و اصلانی، ۱۳۹۵: ۸۷).

#### ۴- بحران معنویت

بحران معنویت می‌تواند سویه‌های مختلفی داشته باشد و البته به کیفیت‌های مختلفی تعریف شود. برخی از پژوهشگران معتقدند که بحران معنویت به معنای جایگزین شدن معنویت کاذب به جای معنویت حقیقی و کمرنگ شدن معنویت اصیل در زندگی انسان و تهدید جدی نسبت به ارزشها و هنجارهای معنوی بوده و به صورت تدریجی و در گذر زمان، طی سالهای متمادی و با معنویت‌زدایی به شیوه‌های مختلف به وجود آمده است. پس بحران معنویت، همان تغییری قابل توجه و عمیق ایجاد شده در ارزش‌های معنوی و غیر مادی در جهت نزولی است. یکی دانستن پدیده‌های غیر حسی همچون: جادو، جن‌گیری و حالات حاصل از پدیده فرا روانشناسی با معنویت هم، عامل بروز این بحران شده است؛ در حالی که معنویت‌های عرفی و زمینی با اهداف دنیوی، در مقایسه با معنویت‌های اصیل و مبتنی بر اصول و مبانی خاص، کاملاً متفاوت است. خلط زندگی معنوی با زندگی معنادار هم عامل شکاف انسان معاصر با معنویت حقیقی شده، زمینه‌ساز بروز بحران معنوی شدیدتر است (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

با این حال و اگر چه جایگزینی معنویت‌های کاذب و دروغین می‌تواند به معنای بحران معنویت برای یک جامعه باشد و یا شخصی شدن معنویت، زمینه را برای پیدایش گرایش‌های معنوی آماده کرده و جامعه را با وضعیت پیچیده‌ای همراه کند، ولی این تعریف از بحران معنویت تا اندازه زیادی تقلیل‌گرایانه است. زیرا بحران معنویت می‌تواند سویه‌ها و کیفیت‌های مختلفی داشته باشد. شهید مطهری برای تعریف بحران معنویت به نشانه‌های آن اشاره کرده و آن‌ها را این‌گونه بر می‌شمرد: افزایش خودکشی‌های ناشی از احساس بیهودگی و پوچی، ازدیاد بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی، عصیان‌گری و شالوده‌شکنی نسل جوان، کمبود عواطف و احساسات عالی انسانی، از هم گسیختگی و فروپاشی نظام خانوادگی، گسترش فقر و فقر، آلودگی محیط زیست، قتل و عصبیت و خشونت اجتماعی، اباحی‌گری ارزشی و تزلزل اخلاق و ... (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۸۳-۱۷۶).

#### ۵- اختلال و یا بحران اخلاق

از دیدگاه جامعه‌شناسان، اخلاق یکی از بنیان‌های اساسی نظم اجتماعی است. این نهاد سبب می‌شود تا جامعه از پیوستگی لازم برخوردار و در شرایط مختلف انسجام کافی داشته باشد. اخلاق را نباید صرفاً پدیده‌ای فردی دانست. هیچ جامعه‌ای بدون اخلاق شکل نمی‌گیرد و باقی نمی‌ماند. اگر دست‌کم برخی از واقعیت‌های اجتماعی را به عنوان واقعیاتی متشکل از ویژگی‌های نظم تعاملات و مبتنی بر تعهد متقابل در میان شرکت‌کنندگان برای انجام آن تلقی

کنیم، آنگاه الگوهای اخلاقی و رفتاری بسیار مهم خواهند بود. از این نظر هر گونه چالش در اخلاق را باید چالشی اجتماعی دانست. داستان در معنویت نیز به همین شکل است. بر این اساس، وقتی یک جامعه با چالش امر اخلاقی روبرو است، در حقیقت با چالش اصل بقاء جامعه روبرو است. بحران اخلاق در حقیقت به معنای بحران اصل بقاء جامعه است.

واقعیت‌های اجتماعی حاصل از آن‌ها به واسطه نهادهای اجتماعی یا به واسطه یک جهت‌گیری فردی به سمت اهداف و ارزش‌ها شکل نمی‌گیرند، بلکه به واسطه رابطه‌شان با تعهد متقابل شرکت‌کنندگان به رابطه دوجانبه با یکدیگر در جهت حفظ خویشتن و آن تعامل از آسیب حاصل از مشکلات شکل می‌گیرند. در این مورد، آنچه اخلاقی است «درست و دقیق» هم هست و نه تنها شامل ویژگی‌های نسبی جوامع گوناگون است، بلکه شامل تعهد زیربنایی دوجانبه‌ای است که شرکت‌کنندگان نسبت به هم دارند. بسیاری از «جزئیات» و رویه‌هایی که وضع می‌شوند نیز جهت‌گیری‌شان به سمت این الزام خواهد بود. این بدان معناست که جزئیات – آن‌گونه که عموماً توصیف می‌شوند – صرفاً الگوهای خودسرانه و روزمره‌ای از رفتار پیشین نیستند، بلکه اصولاً جهت‌گیری‌شان به سمت روابط متقابل است (همان چیزی که به آن‌ها انسجام می‌بخشد). در حالی که عناصر خاصی از رویه ممکن است از یک نوع موقعیت به نوع دیگر متفاوت باشند، تعهدات متقابل زیربنایی که شرکت‌کنندگان باید نسبت به هم داشته باشند تا رویه‌ها موفقیت‌آمیز باشند، اساساً یکسان باقی می‌مانند و حتی اشکال تجربی رویه و قواعد آن‌ها عناصر اخلاقی متعالی را در هم می‌آمیزند. از آنجا که این تعهد باید مستمراً نشان داده شود، جزئیات تجربی نشان‌دهنده منطق این جهت‌گیری در مورد هر فرد خواهد بود.

جامعه‌شناسان از بی‌نظمی و آشفتگی فراگیر در جامعه به عنوان آنومی<sup>۱</sup> و بحران اخلاقی<sup>۲</sup> یاد می‌کنند. و آن را حالتی بیمارگونه و آسیب‌شناسانه‌ای می‌دانند که سلامت اخلاقی جامعه را به خطر می‌اندازد (دورکیم، ۱۳۶۹: ۸-۱۱). این وضعیت سبب می‌شود تا قدرت اخلاق برای سامان‌دهی به کنش‌ها تضعیف شود.

## ۶- چالش‌های معنویت در جامعه ایران

از دید جامعه‌شناسان، اختلال معنویت و اخلاق بیشتر میهمان ناخوانده جوامع در حال گذار و جوامع متأثر از مدرنیته هستند. جوامعی که از زندگی سنت فاصله گرفته، ولی هنوز به رویکرد و پیوند روشنی بین ابعاد مادی و معنوی زندگی دست نیافته‌اند. بنابراین وجود بحران معنویت

<sup>۱</sup>. Anomie

<sup>۲</sup>. Ethical crisis

در جامعه ایران با توجه به مختصات در حال گذار قابل پیش‌بینی است. چیزی که مطالعات انجام شده در این زمینه آن را نشان می‌دهد. امروزه تقریباً نشانه‌های بحران معنویت در بخش‌هایی از جامعه ایران قابل مشاهده است. از بر ساخت معنویت‌های سکولار گرفته تا نشانه‌هایی که شهید مطهری آن‌ها را نتیجه بحران معنویت در غرب می‌دانست.

برای نمونه اگر خودکشی را یکی از مهم‌ترین نمودهای اختلال معنویت بدانیم، بر اساس اعلام سازمان پزشکی قانونی کشور، اگر چه آمار روشنی در این باره وجود ندارد، ولی در سال ۱۳۹۶ مجموع تلفات خودکشی‌ها ۴۶۲۷ نفر بوده که نسبت به سال ۹۵ افزایش ۵ درصدی را نشان می‌دهد. از بین تعداد خودکشی‌های منجر به فوت ۳۲۶۲ مورد مربوط به مردان و ۱۳۶۵ مورد مربوط به زنان بوده است. همچنین بر اساس آماری که پزشکی قانونی در اختیار ایسنا قرار داده، ماه‌های دارای بیشترین تلفات خودکشی مربوط به مردادماه با ۴۶۶ نفر، تیرماه با ۴۲۴ نفر و اردیبهشت ماه با ۴۲۰ نفر است<sup>۱</sup>. وضعیت خشونت نیز همین‌گونه است و اگر آن‌گونه که شهید مطهری بیان داشته‌اند، خشونت نشانه اختلال و بحران معنویت است، این پدیده در ایران نیز روند رو به افزایشی دارد. آن‌گونه که روزنامه ایران در این زمینه می‌نویسد: «بر اساس آخرین آمارهای مربوط به خشونت در کشور، میزان خشونت خانگی و خانوادگی در ایران در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۷ چیزی در حدود ۲۶ درصد رشد داشته است، این در حالی است که خشونت‌های خانگی در بیشتر موارد زنان و کودکان را نشانه می‌گیرد، هر چند در موارد متعددی خشونت علیه مردان نیز گزارش شده است» (قوی قلب، ۲/۴/۱۴۰۰).

اگر کاهش و فقدان امید اجتماعی را نیز یکی از نشانه‌های بحران معنویت در جامعه بدانیم، باز هم نشانه‌هایی از این وضعیت در جامعه ایران به چشم می‌خورد. آقایان محمد امیرپناهی، مهدی مالیر و محسن شکرپانی در مطالعه‌ای که حاصل آن در مقاله‌ای با عنوان وضعیت‌سنجی امید اجتماعی در ایران منتشر شده است، وضعیت امید اجتماعی را در ایران نشان داده‌اند. در چکیده این مقاله می‌خوانیم:

(این مقاله حاصل) تحلیل ثانویه داده‌های طرح ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی ایران که در سال ۱۳۹۵ بر روی یک نمونه بزرگ ۸۲۵۰۰ نفری ساکنان ۴۲۶ شهر مرکز شهرستان‌های کشور انجام شده است. در این تحقیق واحد مشاهده فرد است ولی سطح تحلیل استان بوده و هدف اصلی نیز ارائه نیمرخ و سیمای امید اجتماعی استان‌های کشور است. برای این منظور علاوه بر توصیف کلی شاخص امید اجتماعی کشور، رابطه ارزیابی افراد از گذشته، حال و آینده بر اساس یک شاخص ترکیبی، در بین استان‌های کشور بررسی و مقایسه شده

<sup>۱</sup> . <https://www.isna.ir/news/97061708227>

است. نتایج این مطالعه نشان داد که بین ارزیابی افراد از زمان حال با ارزیابی از گذشته و آینده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با احتساب شاخص ترکیبی امید اجتماعی مشخص گردید، اولاً در مجموع میانگین امید اجتماعی در بین ایرانیان برای ده سال آینده منفی و رو به کاهش است و ثانیاً تفاوت و نابرابری در امید اجتماعی به آینده در بین استان‌ها بیشتر خواهد شد (امیرپناهی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۹).

این مقاله قصد مقایسه وضعیت اختلال معنویت در ایران را با جهان غرب ندارد و شاید جامعه ایران دست‌کم در برخی شاخصه‌های معنویت وضعیت بهتری را در مقایسه با جهان غرب تجربه می‌کند؛ ولی با این حال، روند رو به افزایش این پدیده‌ها نشان‌دهنده وجود برخی از شاخص‌های اختلال در جامعه ماست.

از زاویه‌ای دیگر، و اگر بحران معنویت را آن‌گونه که برخی پژوهشگران در ظهور و پیدایش معنویت‌های کاذب دانستند، ارزیابی کنیم باز هم نشانه‌هایی از وجود بحران معنویت در ایران به چشم می‌خورد. اگر چه نویسنده این مقاله در مقاله‌ای با عنوان **دین، معنویت، و چالش معنویت‌گرایی سکولار در ایران** که در شماره ۱۳ همین مجله به چاپ رسیده است، از ظهور معنویت‌گرایی سکولار در ایران سخن گفته است، ولی مطالعات دیگری در این زمینه وجود دارد که پیدایش این جریانات را در جامعه ایران بیشتر به تصویر می‌کشند. برای نمونه می‌توان به مقاله علل و زمینه‌های گرایش به معنویت‌گرایی جدید در ایران (مطالعه شهر تهران) اشاره کرد. نویسندگان این مقاله ضمن نشان دادن گرایش شهروندان تهرانی به معنویت‌های سکولار و یا کاذب، عوامل این گرایش‌ها را نیز برشمردند. در این مقاله مصاحبه با یک خانم ۴۰ ساله «محبوبه و بسیار متدین» آمده است که از یوگا به مثابه یک راه معنوی برای حصول آرامش و رسیدن به خدا یاد می‌کند (ص: ۱۷۷) و یا یک مرد ۴۷ ساله از تجربیات معنوی خود می‌گوید «در یکی از اون تمرینات خیلی سنگین، برای لحظاتی متوجه شدم از بالا دارم خودم را نگاه می‌کنم اینقدر این تجربه عجیب بود که ناخودآگاه به گریه افتادم و به شدت گریه کردم. وقتی چشمم رو باز کردم دیدم استادم سرم رو گذاشته روی پاهاش، ازم پرسید چی دیدی؟ گفتم جرأت نمی‌کنم به شما بگم. گفت بگو! گفتم من داشتم از بالا خودم را می‌دیدم که اونجا خوابیده‌ام ... به من تبریک گفت» (همان: ۱۷۸).

این مطالعات و نیز شواهد دیگر که به برخی از آن‌ها در مقاله پیشین این نویسنده به آن‌ها اشاره شد، نشان می‌دهد که معنویت‌گرایی دست‌کم در بخش‌هایی از جمعیت سکولار ایران عرفی شده است. در این جامعه بیشتر خصلت‌های معنویت‌های عرفی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره

شد وجود دارند. ابوتراب طالبی و باقر طالبی دارابی در مقاله‌ای با عنوان معنویت‌گرایی نوین به مثابه گفتمان، مجموعه‌ای از مصاحبه‌هایی را ارائه داده‌اند که مدعای آن‌ها مبنی بر وجود تمایلات به معنویت‌های کاذب را نشان می‌دهد.

#### ۷- اختلال و چالش اخلاق در جامعه ایران

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، اختلال اخلاق برای جامعه‌شناسان در اوج و مرحله نهایی به معنای آنومی و یا فقدان هنجارهای ثابت و مسلم است. این وضعیت بیشتر در جوامع در حال گذار پدید می‌آید. از این منظر می‌توان انتظار داشت که جامعه ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار که رخدادهایی چون تحولات جمعیتی، رشد سواد، رشد شهرنشینی، مهاجرت، وقوع انقلاب و جنگ، رشد فرآیندها فناوری‌های نوین و ارتباطی را تجربه می‌کند، در معرض اختلال هنجاری و اختلال‌های اخلاقی باشد. شواهد مختلفی در دست است که اختلالاتی در برخی شاخص‌های اخلاقی در ایران را نشان دهد. یافته‌های پیمایش‌های آکادمیک در زمینه نگرش‌های ایرانیان و پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی، و اخلاقی جامعه ایران نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی جابه‌جایی‌هایی دارد و جامعه در شاخص‌هایی خاص در وضعیت اخلاقی تمایزات و تفاوت قرار دارد.

افزون بر این، واقعیات عینی جامعه و حتی مشاهدات روزمره شهروندان حکایت از این وضعیت دارد. تعداد پرونده‌های قضایی کشور در سال ۱۳۹۴ به ۱۵ میلیون رسید (آملی لاریجانی، ۱۳۹۴) از هر ۲/۴ ازدواج یکی به طلاق منتهی می‌شود (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵) و رتبه فساد در ایران بین ۱۶۷ کشور جهان ۱۳۰ است (سازمان شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۵). در میان کسانی که در این زمینه مطالعات قابل‌اعتنایی انجام داده‌اند، تقریباً اتفاق نظری بر اختلال در وضعیت اخلاق در جامعه ایران وجود دارد. رفیع‌پور (۱۳۷۸) وضعیت جامعه ایران را شبه بحرانی نشان داده است و عواملی همچون نابرابری اجتماعی، وضعیت اقتصادی نامناسب، کاهش اعتماد اجتماعی که به شدت ناشی از کاهش پای‌بندی‌های مذهبی است، را دلیل رفتار ناهنجار شهروندان تهرانی بر می‌شمرد. کوثری (۱۳۸۸) نیز ضمن تأکید بر وضعیت شبه آنومیک و اخلاقی در بخش‌هایی از جامعه ایران مهم‌ترین عامل مؤثر بر این وضعیت را احساس ناعادلانه بودن قواعد، فردگرایی سیاسی و سکولاریسم معرفی می‌کند. شیانی و محمدی (۱۳۸۶) میزان بالای ناهنجاری در میان جوانان را ناشی از نارضایتی از وضعیت زندگی خود و جامعه و احساس بی‌اعتمادی و ناامیدی می‌داند. یافته‌های نادری و همکاران (۱۳۸۹) ضمن تأیید شرایط فوق، نشان می‌دهند پای‌بندی دینی و عزت‌نفس با رفتار

شبه آنومیک رابطه مثبت دارند. بنابر یافته‌های جوادی و همکاران (۱۳۹۱) شکاف ارزشی در میان جوانان سبب افزایش برخی ناهنجاری‌های اخلاقی است. فریبرز بیات، سید محمدصادق مهدوی، و باقر ساروخانی در تحقیقی که انجام داده‌اند و نتایج آن را در مقاله‌ای با عنوان اختلال‌های اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی) منتشر کرده‌اند، ضمن تأکید بر وضعیت بحران اخلاقی در جامعه ایران از عوامل زیر به عنوان عوامل مؤثر بر این وضعیت یاد کرده‌اند: احساس نابرابری، ضعف کنترل‌های اجتماعی، احساس نارضایتی اجتماعی، فردگرایی خودخواهانه، کاهش مشارکت اجتماعی، ضعف دین‌داری (بیات و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۹).

نکته مهم درباره اختلالات اخلاقی در جامعه ایران آن است که نباید این وضعیت را به سطح خرد و کنش‌گران نسبت داد. اشکالات اخلاقی را نباید صرفاً صفتی فردی تلقی کرد. وقتی از مشکلات اخلاقی به عنوان اختلال سخن می‌گوئیم بیشتر ناظر به یک وضعیت اجتماعی است که البته تظاهراتی در سطح افراد و کنشگران نیز دارد. اختلالات اخلاقی در جامعه ایران به صورت مشخص نشان دهنده سه وضعیت آزاردهنده است. نخست ناهنجاری اخلاقی و نبود قواعد و هنجارهای مشترک و مورد توافق همه در برخی عرصه‌ها (فی‌المثل شبکه‌های اجتماعی). دوم ضعف هنجاری به معنای کاهش قدرت هنجارها در سازمان‌دهی کنش‌ها و رفتار کنش‌گران؛ و سوم تعارض هنجاری و تضاد آن‌ها با واقعیت‌های اجتماعی. وضعیت اختلال اخلاقی خود را در این نتایج نشان می‌دهد که احساس افراد مبنی بر ضعیف شدن مکانیزم‌های کنترلی، تردید به قواعد نظارتی را در آن‌ها ایجاد کرده و امکان تخطی و نقض آن‌ها را فراهم می‌آورد و این همان چیزی است که در این مقاله از آن به عنوان بروز وضعیت شبه‌بحرانی اخلاقی یاد می‌کنیم.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله مستند به پاره‌ای از مطالعات انجام شده، نشان داده شد که برخی از اقشار بویژه جوانان در جامعه ایران از مشکلات اخلاق و معنویت در رنج است. این اختلال قطعاً در مقایسه با جهان غرب کم‌تر باشد ولی نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از روند افزایش آن در دست است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد این وضعیت بیشتر ناشی از ورود اندیشه مدرن به جامعه ایران است. رشد فردگرایی، بسندگی به علم، عقل‌گرایی افراطی و نیز رشد معنویت‌گرایی سکولار زمینه‌ساز این وضعیت هستند و شبه‌بحران اخلاقی بیش از هر چیز ناشی از نارضایتی عمومی، بی‌توجهی به دین و کاهش اعتماد عمومی است.

در این میان نکته مهم، چگونگی مواجهه با این اختلالات است. برای مواجهه با آن گام نخست پذیرش این واقعیت است؛ واقعیتی که معمولاً مسئولان فرهنگی کشور از در انکار با آن روبرو می‌شوند. سالهاست که مسئولان کشور ما با مشکلات جامعه به صورت جیب‌بلوزی برخورد می‌کنند. یعنی آنچه را که دوست دارند می‌بینند و آنچه را که مایل نیستند و نمی‌پسندند، انکار می‌کنند. اختلالات، مشکلات و مسائل اجتماعی مثل بیماری می‌مانند و تا پذیرفته نشوند، درمان نیز نخواهند شد. در دانش پزشکی اصطلاحی وجود دارد به معنای «انکار». این اصطلاح به وضعیتی در بیمار و یا همراهان وی اشاره دارد که سبب می‌شود بیماری را انکار کنند. برای نمونه اگر پزشک بعد از بررسی و آزمایش به یک نفر بگوید که شما نارسایی عروق کرونر دارید و نیاز است که بای‌پاس کرده و عمل باز قلب انجام دهید، بیمار و گاه همراهانش نخستین واکنش‌شان انکار بیماری و احتمالاً متهم کردن پزشک به بی‌سوادی است. انکار، ساده‌ترین کاری است که آنان برای فرار از سختی‌های درمان در پیش می‌گیرند. با این حال، بیمار مجبور است به پزشک دیگری رجوع کند. پزشک دوم نیز مجموعه‌ای از پرسش‌ها را مطرح می‌کند تا بتواند تشخیص درستی بدهد. از بیمار می‌پرسد که شما درد قفسه سینه دارید یا نه؟ وقتی غذا می‌خورید این درد تشدید می‌شود یا خیر؟ موقع راه رفتن چگونه سوزش معده دارید یا خیر؟ و ... در اینجا بیمار با تکیه بر تجربه‌ای که از پزشک اول دارد، پاسخ‌های دوبهلویی به پزشک می‌دهد تا شاید حرف دیگری بشنود. در نهایت، از پزشک دوم هم همان را می‌شنود. ولی انکار، قوی‌تر از این حرف‌هاست. به همین دلیل، تلاش می‌کند شواهدی هرچند ناچیز بیابد که نشان دهد او بیماری حاد قلبی ندارد و چاره درمان او عمل باز قلب نیست. بیمار انکارپیشه برای بار سوم راه به یک پزشک گوارش کج می‌کند. از دو تجربه پیشین خود استفاده می‌کند و نشانه‌های بیماری‌اش را جوری می‌گوید که پزشک را قانع کند مشکل او گوارشی است و نه قلبی. مثلاً می‌گوید وقتی غذای ترش می‌خورم دردم شدیدتر می‌شود و یا سوزش روی دل دارم و ... پزشک گوارش در نهایت با یک برگه رانی تیدین و شربت آلومنیوم ام‌جی او را راهی منزل می‌کند. بیمار شادمان از پیروزی به منزل می‌رود. شاید آن داروها کمی حال بیمار را خوب کند، ولی بیماری اصلی که تنگی عروق کرونر است، همچنان باقی‌ست و بیمار در معرض مرگ. در نهایت در یک ساعت غم‌انگیز بیمار از پای در آمده و اورژانس بالای سر او می‌آید و این‌بار بیمار نه با پای و اختیار خود، که درازکش بر روی برآنکارد و مسلوب‌الاختیار به سوی اتاق عمل برده می‌شود. این‌بار کسی از او نمی‌پرسد او را چه شده است و بیماری‌اش چیست؛ این‌بار تا می‌خواهد حرفی بزند به او می‌گویند ساکت باش که

صلاحیت اظهار نظر در باره بیماری خود را ندارید. اگر شانس بیاورید و انکارتان کار دستان نداده باشد، جراحی قلب نجاتتان می‌دهد.

انکار در وضعیت‌های اجتماعی کشنده‌تر است. وقتی مسئولان یک جامعه نظر کارشناسی متخصصان و صاحب‌نظران را انکار کنند و بدتر از آن، به توجیه وضعیت موجود پردازند و چیزهای کم اهمیت را نشانه سلامت جامعه خود بدانند، زمان نگران‌کننده‌ای خواهد رسید که ممکن است تحولات اجتماعی خارج از مدیریت و اختیار آنان و دیگر صاحبان خرد و تدبیر به گونه‌ای پیش بروند که کل جامعه را با چالش فروپاشی روبرو کند.

گام دوم در مواجهه با اختلال معنویت و اخلاق توجه به عوامل پیدایش بحران‌هاست. مشکلات اجتماعی ماهیتی اجتماعی دارند و البته با راه‌کاری اجتماعی درمان می‌پذیرند و پاسخ می‌یابند. مسأله معنویت و اخلاق را نباید به پای کاهش معرفت و شناخت کنشگران از ماهیت معنویت و اخلاق دانست. این درست است که این عامل نیز در شکل‌گیری اختلالات یاد شده مؤثر است؛ ولی عوامل اجتماعی چون بیکاری، فقر، تضاد و تبعیض، ناسازگاری هنجارهای اخلاقی با واقعیت جامعه، احساس طردشدگی و کاهش امید اجتماعی از مهمترین پیدایش و گسترش این مشکلات هستند که برای مواجهه با مسائل یاد شده باید نخست آنها را چاره کرد. و گام سوم این است که باید به یافته‌های علوم انسانی اعتماد کرد و به پژوهشگران علوم انسانی میدان داد. هزاران نفر از جوانان این کشور در دانشگاه‌ها مشغول خواندن علمی هستند که برخی از مسئولان کشور به آن علوم اظهار بی‌اعتمادی کرده و به یافته‌هایشان بها نمی‌دهند. به همین دلیل علوم انسانی و بویژه جامعه‌شناسی در کشور ما به صورت یک پروژه ناتمام در سطح ادبیات نظری باقی مانده‌اند و با واقعیت اجتماعی ایران کمتر مواجه شده‌اند. این در حالی است که می‌توان از این سرمایه ارزشمند استفاده برد و تحقیقات دانشگاهی را به سود مطالعه روزآمد وضعیت فرهنگی جامعه ایران سوق داده و از یافته‌های آنان برای درمان این دو اختلال و دیگر مسائل اجتماعی سود برد.

## منابع

- ادواردز، پل (۱۳۷۸)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه انشالله رحمتی، تهران: تیبان.
- امیرپناهی، محمد، مالمیر، مهدی، و شکرپانی، محسن (۱۳۹۵)، *وضعیت‌سنجی امید اجتماعی در ایران (تحلیل ثانویه پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی، و اخلاقی)* در مجله مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۹.
- آملی لاریجانی، صادق (۱۳۹۴)، [www. Isna, ir. News/94110804874](http://www.Isna.ir/News/94110804874) (بازیابی ۱۱ / ۴ / ۱۴۰۰).

- بیات، فریبرز، سید محمدصادق مهدوی و باقر ساروخانی (۱۳۹۹). *بحران اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن* (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی)، در مجله مسایل اجتماعی ایران، سال یازدهم. صص. ۳۵ تا ۶۱.
- بیک حرفه، شیرزاد (۱۳۹۴). *فایده‌گرایی*، تهران: نگاه معاصر.
- جوادی، حسن، محمود علمی، صمد صباغ (۱۳۹۱). *بررسی عوامل مؤثر اجتماعی در احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز*، مطالعات جامعه‌شناختی، سال چهارم، شماره ۱۰، صص ۲۹ تا ۴۵.
- حسینی، سید حسین (۱۳۸۵). *بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود*، امنیت، شماره ۱ و ۲.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). *انسان‌شناسی اسلامی*، نشر معارف.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، بابل: انتشارات کتابسرای بابل.
- دیرباز، عسکر، اصلانی، محمد (۱۳۹۵). *تحقق انتقادی تعریف اخلاق از دیدگاه فلاسفه غرب*، در پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم، شماره ۳.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، انتشارات سروش.
- روزنتال، آریل، پائول تی هارت، و مایکل تی چارلز (۱۳۸۱). *دنیایی از بحران‌ها و مدیریت بحران*، دانش انتظامی، شماره ۴.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۹ و ۱۳۹۵). *مجموعه آمار جمعیتی کشور*، سازمان ثبت احوال کشور.
- سازمان شفافیت بین‌المللی (۲۰۱۵). *گزارش ۱۳ سال گذشته رده‌بندی کشورهای جهان بر اساس شاخص ادراک فساد*.
- شیانی، ملیحه و محمدعلی محمدی (۱۳۸۶). *تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت*، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره ۳، صص. ۲۱ تا ۳۶.
- قوی قلب، مهسا، ۱۴۰۰/۴/۲، روزنامه ایران، شماره ۷۶۵۹، ص ۱۰.
- کوثری، مسعود، سید محمود نجات حسینی (۱۳۸۸). *پناسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای شهر تهران*، دانشگاه آزاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *امدادهای غیبی در زندگی بشر*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). *فلسفه اخلاق*، چاپ ۴۲، صدرا.
- <https://www.isna.ir/news/97061708227>, (1400/ 4/ 12)
- <https://www.ricac.ac.ir/meeting/522/>, (1400/ 4/ 11)
- Mc.Carroll, Pam; O'Connor, Thomas St. James; Meakes, Elizabeth (2005).
- Waaajjman, Kees (2002). *Spirituality: Forms, Foundations, Methods*, Peeters Publishers.